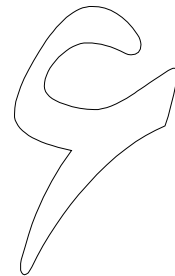


بررسی و تبیین ژئوپلیتیکی
اسلام‌گرایی اعتدالی در
سیاست خارجی ترکیه از سال
۱۹۹۵ تا ۲۰۱۱، با رویکرد
سازه‌نگاری

رسول افضلی*

افشین متقی**



* رسول افضلی دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران می‌باشد.

** افشین متقی دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران می‌باشد.

Afshin_Mottghi@yahoo.com

تاریخ تصویب: ۱۳۹۰/۸/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۴/۲۰

فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۰، صص ۲۰۲-۱۷۵.

چکیده

پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی، کشورهای مختلفی در حوزه این امپراتوری سر برآوردند. مردم برخی از این کشورها پس از ارتباط با غرب و آشنایی با استعمار غرب به این تصور رسیدند که راه موفقیت آنها، در مخالفت با غرب و تأکید بر قوانین و دستوره‌های دینی است. بدین ترتیب موجی از بیداری و بازگشت به اسلام در بین مردم این کشورها بوجود آمد. اما در این بین ترکیه با حاکمیت رژیم لائیک کمالیست‌ها مانع از ورود این موج به ترکیه شد. اما در دهه‌های پایانی قرن بیستم این کشور شاهد گرایش‌های اسلامی در سیاست داخلی و خارجی خود شد. نکته جالب توجه، تفاوت این نوع اسلام‌گرایی با اسلام‌گرایی سایر کشورهای اسلامی در جهان اسلام، به‌ویژه در حوزه سیاست خارجی ترکیه بود. این تفاوت در گرایش ترک‌ها به اسلام، اعتدالی بود. از این رو مقاله حاضر سعی در پاسخگویی به این سؤال اساسی دارد که چه عوامل ژئوپلیتیکی و چگونه سبب اسلام‌گرایی اعتدالی در سیاست خارجی ترکیه از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۱ میلادی شده است؟ لازم به ذکر است که این مقاله از شیوه توصیفی - تحلیلی بهره برده است.

واژه‌های کلیدی: ژئوپلیتیک، سازه‌نگاری، سیاست خارجی، ترکیه و اسلام‌گرایی

اعتدالی

مقدمه

ترکیه تا چند دهه جدای از اتفاقات جهان اسلام در تعامل با غرب قرار گرفت. یکی از اصول سیاست خارجی این کشور، عدم دخالت در امور خاورمیانه و مناطق اسلامی دیگر بود که نشانگر دوری گزیدن ترکیه از شرق اسلامی و رخداد‌های آن است. اما به تدریج هم جریانات اسلامی به رشد قابل توجهی رسیدند و هم سیستم تک‌حزبی در ترکیه جای خود را به سیستم چندحزبی داد. بنابراین زمینه برای انتشار پدیده اسلام‌گرایی به ترکیه فراهم شد. در طول دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ احزاب و جریانات اسلامی رشد زیادی کردند و سایر جریان‌های مذهبی نیز فعالیت‌های زیادی را شروع کردند. سرانجام در سال ۱۹۹۵ بود که حزب رفاه اسلامی در ترکیه به پیروزی رسید و نجم‌الدین اربکان، به‌عنوان نخست‌وزیر این کشور برگزیده شد. در سال‌های ۲۰۰۲، ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱ حزب عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان با اکثریت قاطع آرا، قدرت را در دست گرفت. این رویه، بروز و نمود عینی اسلام‌گرایی را در کشور ترکیه نشان می‌دهد. در این دوره استراتژی نگاه به غرب ترکیه که نتیجه کمالیزم بود، به استراتژی تلفیقی نگاه به غرب و شرق مبدل شد و کشور ترکیه برخلاف سایر کشورهای اسلامی به اسلام‌گرایی اعتدالی در سیاست خارجی خود روی آورد. در این زمان است که ضرورت بررسی چگونگی اسلام‌گرایی اعتدالی در کشور ترکیه از دیدی ژئوپلیتیکی مهم به نظر می‌آید. بنابراین سؤال اصلی این پژوهش چنین مطرح می‌شود: چه عوامل ژئوپلیتیکی و چگونه سبب اسلام‌گرایی اعتدالی در سیاست خارجی ترکیه از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۱ میلادی شده است؟ در مسیر پاسخگویی به این سؤال از شیوه‌ای توصیفی - تحلیلی برای بررسی موضوع استفاده شده است. شیوه گردآوری داده‌ها نیز کتابخانه‌ای - اسنادی بوده است.



۱. سازه‌انگاری و رفتار کنشگران سیاسی

سازه‌انگاری رویکردی است که ریشه در علوم اجتماعی دارد، بدین معنی که تمامی دانش‌ها و پدیده‌های انسانی را اموری برساخته می‌داند که این برساختگی نیز به‌گونه‌ای اجتماعی و در جریان کنش متقابل بین ذهنی است (سلیمی، ۱۳۸۶: ۳۴). سازه‌انگاری یا برسازنده‌گرایی یکی از نظریه‌های مهم در دهه اخیر در روابط بین‌الملل است که نه تنها از نظر فهم نوینی که به ما از روابط بین‌الملل در بعد محتوایی آن می‌دهد، اهمیت دارد، بلکه از آنجایی که در عین حال تلاشی است در حوزه فرانظری اهمیت ویژه‌ای دارد (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۱۱۵). این نظریه برخلاف نظریه‌های اثبات‌گرایی بحث را از شناخت‌شناسی^۱ به هستی‌شناسی^۲ ارتقا می‌دهد. مباحث هستی‌شناسی کانون اصلی توجه سازه‌انگاران را تشکیل می‌دهد (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۳۲۴). بر این اساس، آنها از نظر هستی‌شناسی، واقعیت‌های اجتماعی را اموری ذهنی قلمداد می‌کنند که از مجموع قواعد، احکام، انگاره‌ها و... تشکیل شده است که این مفاهیم در طول زمان و در یک فضای جغرافیایی خاص تکوین یافته‌اند و متأثر از فرایندهای مختلف بوده‌اند تا به فرم و ساخت فعلی درآمده‌اند (رشیدی، ۱۳۸۹: ۳). سازه‌انگاری در مورد کنشگران معتقد به سرشت اجتماعی آنها است، به این معنا که این تعاملات، رویه‌ها، هنجارها، ارزش‌ها، فرهنگ، ایدئولوژی، باورهای اصولی و ایده‌های نهادینه هستند که به هویت آنها قوام می‌بخشند (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۱۱۶). ساختارهای اجتماعی نیز نتیجه تعامل هستند. تعامل سبب می‌شود هویت‌های جمعی مختلف بازیگران متفاوت در جریان کنش متقابل و واکنش‌ها و پاسخ‌های مجدد دچار دگرگونی، تغییر و بازتولید شوند. کنشگر در جریان پیگیری منافع خود، رفته رفته ناگزیر است در نظام هویتی خود تجدید نظرهایی را قائل شود تا در فضای جدید بهتر بتواند علایق و منافعش را به‌دست آورد. انسان در چارچوب هستی از پیش موجود، ظاهر می‌شود و در فرایند جامعه‌پذیری، الگوها و شیوه‌های اندیشیدن و زبان آن را درونی می‌کند و در معانی جمعی مشارکت کرده و صاحب افق خاصی می‌شود. او در این افق، به تفسیر و فهم

1. Epistemology
2. Ontology

واقعیت می‌پردازد و در جریان این کنش فعالانه، آن را برای خود تعریف کرده و در نهایت می‌سازد. افراد یک جامعه نیز در چارچوب ذهنیت مشترک جمعی خود، واقعیت اطراف (جهان هستی، دیگر جوامع و غیره) را تعریف و دسته‌بندی می‌کنند و به معنای دیگری می‌سازند و در قالب معناهای ساخته شده به هر جزء با آن به کنش متقابل می‌پردازند (متقی و کاظمی، ۱۳۸۶: ۲۱۲). در جریان تعاملات است که کنشگر به فراگیری معانی و رویه‌مندی‌ها، قواعد و هنجارها و هویت‌یابی اقدام می‌کند و سپس این عامل در ادامه، مسبب کنش‌های بعدی او در جریان تعاملات آتی است. در مسیر این تعامل است که یکی دیگر از گزاره‌های هستی‌شناسی سازه‌انگاران، یعنی مسئله ساختار - کارگزار مطرح می‌شود. سازه‌انگاران تأکید دارند که چگونه هنجاری یا اندیشه‌ای «معنای هویت تک تک کنشگران و الگوهای فعالیت مناسب اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را که کنشگران یاد شده در پیش می‌گیرند تعریف می‌کنند» (Boli and Others, 1989: 12). برای سازه‌انگاران ساختار و کارگزار به شکلی متقابل به یکدیگر قوام می‌بخشند. ساختارها به عنوان پدیده‌هایی نسبتاً پایدار با تعامل متقابل خلق شده و براساس آنها، کنشگران هویت‌ها و منافع خود را تعریف می‌کنند. ساختار جدا از فرایند و به عبارتی، جدا از رویه‌های کنشگران وجود ندارد (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۳۳۰).

۲. تبیین ژئوپلیتیکی رفتار کنشگران در عرصه سیاست خارجی

جغرافیا به عنوان علمی که به بررسی متقابل انسان و طبیعت می‌پردازد، سه سطح انسان، طبیعت و تعامل را در بر می‌گیرد. بنابراین هم به انسان و نیروهای اجتماعی و هم محیط طبیعی، امکانات و منابع، فرصت‌ها و محدودیت‌های ناشی از آن می‌پردازد (رشیدی، ۱۳۸۹: ۲). بنابراین هم ساختار مادی و محیطی و هم ساختار اجتماعی که به همراه یکدیگر هویت‌ها را قوام می‌دهند، در جغرافیا طرح می‌شوند. در علم جغرافیا تعامل، حلقه پیوند انسان و محیط است، چراکه بدون در نظر گرفتن تعامل، عملاً فرم‌ها و ساختارهای جغرافیایی که مشروط به تعامل انسان و محیط است شکل نمی‌گیرد. خود انسان و محیط طبیعی و تعامل بین آنها در فضای خاص جغرافیایی واقع شده‌اند که سبب شخصی‌سازی تعامل بین انسان و محیط در یک

فضای ویژه می‌شو، به نحوی که هویت‌های اجتماعی برآمده از هر فضای جغرافیایی با دیگر فضاهاى جغرافیایی متفاوت است. این مثال را در بهترین شکل می‌توان در مورد تفاوت هویتی بین کنشگران سیاسی در عرصه سیاست خارجی در کشورهای مختلف مورد بررسی قرار داد، چراکه فضاهاى جغرافیایی ملی هر کشور ساختار اجتماعی و نظام هویتی خاص آن کشور را قوام می‌دهد. بنابراین دولت‌ها در عرصه روابط بین‌الملل و سیاست خارجی دامنه فضایی جغرافیای ملی خود هستند (رشیدی، ۱۳۹۰: ۱۲۳). بنابراین فضاهاى جغرافیایی به واسطه فراهم آوردن بسترهای تعامل متفاوت با یکدیگر، زمینه را برای برساختگی هویت‌های مختلف رقم می‌زنند که سبب می‌شود کنشگران منافع متناسب با نظام هویتی خاص و منتج از فضای جغرافیایی خود را پیگیری کنند. از این‌رو فضاهاى جغرافیایی که بنا به گفته میشل فوکو، غیرقابل فروکاست به همدیگر هستند (سوجا، ۱۳۸۷: ۱۷۶)، هویت‌ها و ساختارهای اجتماعی متفاوت را شکل داده و منفعت‌جویی کنشگران عرصه سیاست خارجی را متفاوت با یکدیگر قوام می‌دهند که سبب رقابت، دوستی یا دشمنی به تناسب اشتراک یا تضاد در فضاهاى جغرافیایی و در نتیجه منافع متعاقب آن بین آنها می‌شود. در نهایت باید گفت: سیاست‌های خارجی متفاوت نیز که بر اساس جغرافیای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی متفاوت هستند، مجموعه‌ای از رفتارها و گفتارهایی هستند که ریشه مکانی و فضایی متفاوت داشته و در مجموع کردارهای ژئوپلیتیکی قلمداد می‌شوند. کردار به رفتارها و گفتارهایی اطلاق می‌شود که با توجه به ریشه‌دار بودن آنها در فضاهاى جغرافیایی و دامنه فضایی آنها، تحت عنوان کردارهای ژئوپلیتیکی آورده می‌شوند (رشیدی، ۱۳۹۰: ۱۱۱). دولت‌ها به عنوان واحدهای سرزمینی و یا حکومت‌های سرزمینی (مجتهدزاده و حافظ نیا، ۱۳۸۶: ۷)، در عرصه سیاست خارجی و روابط متقابل با دیگر کشورها با تکیه بر هویت‌های فضای جغرافیای ملی خود و نیز هویت‌های فضایی که در صحنه بازیگری در فضاهاى منطقه‌ای و جهانی کسب می‌کنند و نیز فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که ناشی از واقعیت‌های ژئوپلیتیکی است، شکل رفتاری خود را تنظیم می‌کنند، بنابراین تفسیر رفتارهای بازیگران در سطح بین‌المللی و سیاست خارجی ریشه ژئوپلیتیکی دارد (رشیدی، پیشین: ۱۱۳).

۳. فضای جغرافیایی، تعامل و نیاز متقابل ژئوپلیتیکی

ادوارد اولمن پیشنهاد می‌کند که جغرافیا باید بر تأثیرات متقابل فضایی تأکید داشته باشد و به عبارتی، فضا و تأثیرات متقابل فضایی، اساس کار جغرافیا باشد (شکوهی، ۱۳۸۲: ۳۳). بنابراین در این قسمت نگارنده به دنبال بررسی تأثیرات متقابل فضایی واحدهای سیاسی (کشورها) و تأثیر آن بر رفتار بازیگران عرصه ژئوپلیتیکی است. آنچه در این مقاله تحت عنوان تأثیرات متقابل فضای جغرافیایی مورد بررسی قرار می‌گیرد، همانند مکتب فضایی در جغرافیا (که ادوارد اولمن نیز از واضحان آن است)، کمی نبوده و صبغه‌ای سازه‌نگارانه و ترکیبی (مرکب از پدیده‌های عینی - ذهنی و معنایی - مادی) دارد.

فضای جغرافیایی مهم‌ترین عنصر در شکل‌گیری تعامل است. بازیگران هم‌فضا بیشترین تعامل را با یکدیگر دارند و در نتیجه بیشترین احکام، قواعد و رویه‌مندی‌ها میان آنها شکل می‌گیرد. این رویه‌ها سبب می‌شود که بازیگران هم‌فضا مثلاً در یک فضای منطقه‌ای یا همسایگی، هویت‌های مشخص‌تری را نسبت به بازیگران خارج از فضای منطقه‌ای یا همسایگی در قبال یکدیگر دارا هستند و از این‌رو رفتارهای مشخص و شناخته‌تر و بر مبنای اعتماد بیشتری را نسبت به یکدیگر دارند، که این امر خود سبب تأمین امنیت هستی‌شناختی (یکی از منافع چهارگانه ناشی از هویت در رویکرد سازه‌نگاری از نظر ونت است) طبق نظریه وجود انسانی آنتونی گیدنز است. در واقع امنیت هستی‌شناختی «حفاظت و حراست از تهدیدات آتی است که به فرد امکان و اجازه می‌دهد تا امید و شهامت خود در برابر هر نوع شرایط مخرب و تضعیف‌کننده‌ای که شاید در آینده با آن مواجه شود را حفظ کند» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۴۶-۴۵). این مبحث به خوبی در سطح بازیگران عرصه ژئوپلیتیک جهانی و منطقه‌ای نیز صدق می‌کند. انگیزه امنیت هستی‌شناختی در رفتار سیاست خارجی کشورها از رابطه وثیق عدم قطعیت و بی‌اعتمادی با هویت نشئت می‌گیرد. عدم اطمینان و قطعیت، اقدام و کنش را مشکل می‌کند. از آنجا که توانایی اقدام، پیش‌شرط و پیش‌نیاز ضروری هویت است، عدم اطمینان و تردید، احساس خود بودن و حفظ هویت را دشوار می‌سازد، زیرا کارگزاری نیازمند یک محیط شناختی و معرفتی باثبات است. در شرایطی که یک کشور از خواسته‌های خود خبر

نداشته باشد، نمی‌تواند به‌طور منظم و مرتب بین ابزار و اهداف خود رابطه معنادار برقرار کند و اطمینان و یقین ندارد که چگونه اهداف خود را پیگیری و تأمین کند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۴۹-۴۸). بنا بر آنچه گفته شد، هر بازیگر در عرصه بازیگری خود نیاز به اعتماد و اطمینان عمیق دارد. از آنجایی که کشورهای همسایه و یا هم‌منطقه (یعنی دارای فضای جغرافیایی - تعاملاتی مشترک)، بیشترین سطح تعامل را دارند و کوچک‌ترین تغییرات رفتاری و هویتی طرف مقابل خود را در کوتاه‌ترین زمان درمی‌یابند و اقدامات لازم را جهت وفق خود با شرایط جدید برای کسب منفع خود می‌کنند، معمولاً این کشورها از نظر شناخت نسبت به یکدیگر در سطح بالایی نسبت به بازیگران غیر هم‌فضا قرار دارند و از این رو با شناخت ناشی از تعامل بالایی که خود ریشه در فضای مشترک ژئوپلیتیکی‌شان دارد، بیشترین اعتمادسازی میان آنها نهادینه می‌شود (رشیدی، ۱۳۹۰: ۱۴۰).

۴. موقعیت ژئوپلیتیکی ترکیه و اصل تسامح و تعادل

کشور ترکیه به دلیل مسلمان بودن مردم و نیز همجواری با کشورهای جهان اسلام همواره درگیر مسائل این کشورها است و همان‌طور که قبلاً تشریح شد، منافع بسیاری در گرو رابطه با این کشورها دارد. همچنین این کشور در مواجهه با غرب برای ایجاد فشار بر جهان غرب و کسب برخی امتیازات، ناگزیر از حداقل تظاهر به اسلام است. این رویکرد را حتی می‌توان در زمان سردمداری احزاب لائیک نیز در سیاست خارجی این کشور مشاهده کرد. حکومت ترکیه، با وجود دولت لائیک و غیرمذهبی آن همیشه سعی داشته است که نقش طراز اولی را در حوزه جغرافیای سیاسی جهان اسلام ایفا کند (کریمی فرد، ۱۳۸۱: ۲۸۴). موقعیت ژئوپلیتیک ترکیه مانع از جدایی کامل کمالیست‌ها در دوران اوج خود، از اسلام بود. درک جایگاه و موقعیت خاص ژئوپلیتیکی ترکیه توسط سیاستمداران سبب شد تا آنها همواره در حوزه سیاست خارجی با تسامح دم از اسلام‌گرایی زده و در مواجهه با کشورهای اسلامی در سکولاریزم و غرب‌گرایی افراط نکنند. این امر از همان ابتدا سبب تعدیل در رابطه اسلام و غربی‌گرایی در ترکیه شد که تا حدودی مانع از ظهور اسلام‌گرایی رادیکال و هدایت آن به سوی اعتدال شد. بازیگران عرصه سیاست خارجی ترکیه با

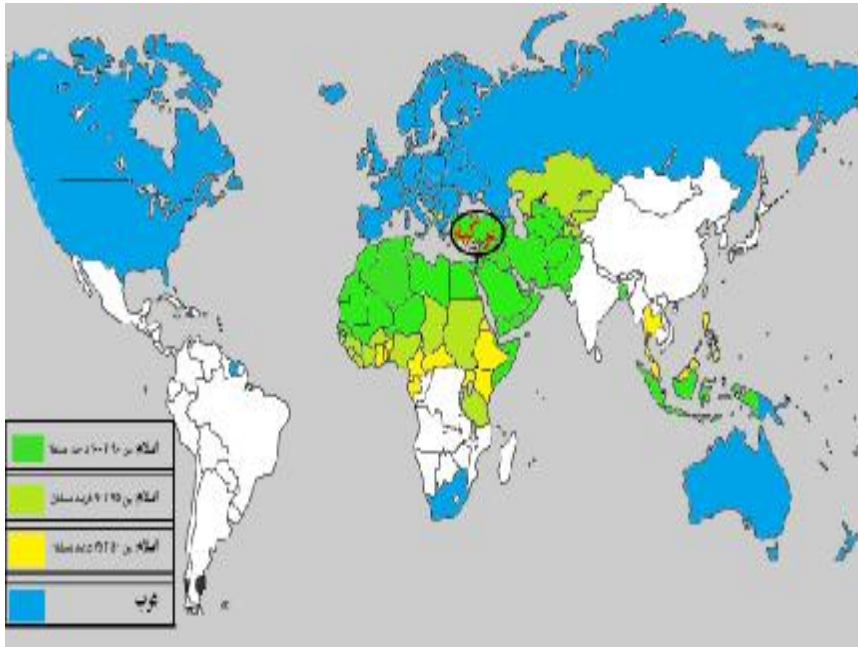
شناختی که از موقعیت و جایگاه ژئوپلیتیکی کشور خود به دست آورده بودند و با توجه به محدودیت‌ها و فرصت‌هایی که فراروی آنها قرار داشته است، سعی بر دستیابی حداکثری به منافع خود داشته‌اند.

بر اساس نظریه سازه‌انگاری، این ویژگی خاص دیپلماسی ترکیه سبب ارائه درکی واقع‌گرایانه از محیط بیرونی بر اساس امنیت و منافع ملی ترکیه شده است که به نوبه خود سبب نوعی محافظه‌کاری و تسامح در برخورد با بازیگران بزرگی مانند روسیه، اتحادیه اروپا، ایالات متحده یا بازیگران استراتژیکی مانند ایران و اسرائیل شده که به برساختگی نوعی تعادل در سیاست خارجی ترکیه منجر شده است. این مسئله در دوران بیداری اسلامی نیز با نوع پذیرش اسلام سیاسی معاصر در هم آمیخته شد و نوعی اسلام اعتدالی را در سیاست خارجی ترکیه قوام بخشید. به‌طور کلی نوعی انگاره ژئوپلیتیکی با خصیصه تسامح و محافظه‌کاری به نوعی از اسلام اعتدالی تکوین بخشید. این رخداد سیاست خارجی ترکیه، ناشی از شناخت این کشور از موقعیت ژئوپلیتیکی خود و اقدام کارگزاران ترک، طبق ساختار ژئوپلیتیکی خاص حوزه بازیگری این کشور است.

۵. هم‌فضایی ژئوپلیتیکی ترکیه با جهان اسلام و غرب

ترکیه، نظر به موقعیت خاص ژئوپلیتیکی‌اش که در بالا توضیح داده شد، در حد واسط کشورهای غربی و جهان اسلام واقع شده است. این کشور نه مانند کشورهای اسلامی همچون ایران، عراق، عربستان و غیره در قلب جهان اسلام واقع شده و نه مانند کشورهای اروپای غربی و ایالات متحده در عمق استراتژیک جهان غرب استقرار یافته است. کشور ترکیه به دلیل تفاوت در موقعیت ژئوپلیتیکی با کشورهای حوزه جهان اسلام و غرب، طبعاً دارای خصیصه‌های متفاوت اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و غیره در داخل بوده و شخصیت متفاوتی نیز در عرصه سیاست خارجی دارد. بنابراین ترکیه بر اساس این وضعیت ویژه ژئوپلیتیکی و استقرار در حد فاصل جهان غرب و اسلام، با مسائل دو قلمرو به صورت همزمان درگیر است و ناگزیر از مشارکت در دو جبهه است. هم‌فضایی ترکیه با جهان غرب و اسلام سبب شده تا به‌طور همزمان متأثر از دو جبهه باشد و شخصیتی که برآیند این آمیزش ژئوپلیتیکی اسلام و غرب است را از خود به نمایش بگذارد.

شکل ۱. موقعیت ژئوپلیتیکی ترکیه در حد واسط جهان اسلام و غرب



۱-۵. جهان اسلام و بیداری اسلامی در حوزه بازیگری ترکیه

یکی از مسائلی که ترکیه در اثر همجواری با جهان اسلام از آن متأثر شده است، مسئله اسلام و بیداری اسلامی در حوزه بازیگری ترکیه در جهان اسلام است. اسلام‌گرایی یا بیداری اسلامی و یا اسلام سیاسی در دوران معاصر، این کشور را نیز مانند هر کشور اسلامی دیگر تحت تأثیر قرار داد، اما کیفیت این تأثیرپذیری متفاوت از دیگر کشورهای اسلامی بود. از اواخر قرن نوزدهم و از اوایل قرن بیستم بود که در اثر استعمار غرب و حاکم شدن افراد غیر مذهبی بر کشورهای و ممالک اسلامی، گروهی از روشنفکران و علمای اسلامی به این نتیجه رسیدند که کشورهای اسلامی به واسطه استعمار غرب دچار عقب‌ماندگی و عدم توسعه شده‌اند. این افراد که متوجه انحراف در جوامع اسلامی و نقشه‌های غرب برای ایجاد سردگمی جوامع اسلامی شده بودند، به وسیله آثار علمی، دینی و ادبی و نیز تشکیل سازمان‌ها و جنبش‌های اسلامی، صدای خود را به گوش مسلمانان رساندند. از نظر جنبش یا خیزش یا بیداری اسلامی، امروزه جهان به واسطه تصدی‌گری کسانی که تابع

دستورات الهی نیستند، به جاهلیت و نظمی مبتنی بر جاهلیت دچار شده است. امروز جوامع از این نظر جاهلی تلقی می‌شوند که زیر چتر جاهلیت قرار دارند، چتری که قوانین غیرالهی را بر جامعه حاکم کرده است. چتری که باعث گمراهی تمام کسانی شده است که زیر سایه آن قرار گرفته‌اند. قضاوت درباره چنین مردمانی - چنانکه پیامبر اکرم (ص) توضیح داده‌اند - بستگی به موضعی دارد که در قبال جاهلیت اتخاذ کرده‌اند! هرکس بدان رضایت دهد، از آنان محسوب شده و هرکه آن را بپذیرد، حکم خاص خود را دارد (قطب، ۱۳۷۴: ۱۷۳-۱۷۲).

بر اساس این عقاید بود که نهضت و نوزایی در میان مسلمانان شکل گرفت و از سه نقطه قدرتمند مصر، ایران و عربستان آغاز شد و به سایر نقاط در جهان اسلام تسری و انتشار یافت. مراکز آغاز این نهضت‌ها را می‌توان چنین برشمرد:

۱. دانشگاه الازهر و اثرگذاری آن (مرکز پخش جغرافیایی اندیشه‌ها: مصر)؛
۲. نهضت اخوان المسلمین (مرکز انتشار و پخش جغرافیایی: مصر) و شاخه‌ها و اخلاف آن در جهان اسلام؛
۳. انقلاب اسلامی ایران (مرکز انتشار و پخش جغرافیایی: ایران) و جنبش‌های برآمده از آن؛ و
۴. سلفی‌ها، القاعده (مرکز انتشار و پخش جغرافیایی: عربستان سعودی) و اعقاب آن بعنوان گروه‌های تندرو و بعضاً انحرافی.

در این بین کشور ترکیه نیز با داشتن هویتی اسلامی، وجود طریقت‌های ریشه‌دار و با طرفداران فراوان مانند طریقت‌های نورجی‌ها، مولویه، بکتاشیه، قادریه، سلیمانیه و در ادامه جنبش‌های قوی مانند نهضت فتح الله گولن و نیز به واسطه ظهور رسانه‌ها و کانال‌های انتقال بیداری اسلامی، به عنوان پدیده‌ای در حال پخش، تحت تأثیر اسلام‌گرایی قرار گرفت و در سال ۱۹۹۵ این گرایش به اسلام با پیروزی حزب رفاه در انتخابات و نخست وزیری نجم‌الدین اربکان و در ادامه پیروزی‌های سه‌گانه حزب عدالت و توسعه ترکیه به رهبری رجب طیب اردوغان در سال‌های ۲۰۰۲، ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱ میلادی در انتخابات پارلمان ترکیه، نمود سیاسی و رسمی یافت. زمینه‌های جغرافیای فرهنگی خاص ترکیه که متفاوت از کشورهای غربی بود، سبب فراهم شدن پیش‌زمینه‌هایی برای پذیرش بیداری اسلامی در کشور ترکیه



شده است که این ناشی از هم‌فضایی ترکیه با جهان اسلام و نیز ریشه‌مندی جغرافیایی - فرهنگی ترکیه در قلمرو جهان اسلام است. بر اثر این تعامل فضایی ترکیه با جهان اسلام بود که به‌وسیله کانال‌های انتقال پدیده در حال پخش بیداری اسلامی، ترکیه متأثر از این مسئله شد.

از دیدگاه سازه‌انگاران، ترکیه در اثر قرارگیری در قلمرو جهان اسلام و نیز دارا بودن زمینه‌های لازم برای اسلام‌گرایی که در بالا ذکر شد، به‌طور بطئی تحت تأثیر هویت‌های اسلامی قرار گرفته است و در اثر تعاملات بیشتر مردم و دولت ترکیه در دهه‌های اخیر با کشورهای اسلامی و آزاد شدن فعالیت‌های دینی در داخل ترکیه، شرایط برای گرایش به اسلام سیاسی فراهم شده است. در کل می‌توان گفت که پخش پدیده بیداری اسلامی به‌واسطه تعامل بین ترکیه و جهان اسلام و نیز زمینه‌های اسلامی ترک‌ها مقدور شده است.

۲-۵. جهان غرب و اثرگذاری ناشی از هم‌فضایی

ترکیه همان‌طور که در مجاورت و هم‌فضایی با جهان اسلام قرار دارد و متأثر از جریان‌ها و پدیده‌های جهان اسلام است، از انتشارات فضایی در جهان غرب نیز متأثر است. بحث سکولاریزم و انسان‌گرایی و جایگزینی قوانین مادی به جای قوانین الهی و توسعه جوامع غربی، سبب ایجاد پارادایمی عظیم در برابر دین‌گرایی سیاسی در دوران سنتی شد. نقطه نضج این پدیده در جهان غرب بود و ترکیه نیز در اثر تعامل ناشی از هم‌فضایی با این پدیده مواجه شد.

پس از به قدرت رسیدن آتاتورک، مذهب یکی از مهم‌ترین موانع توسعه اقتصادی و اجتماعی ترکیه شناخته شد و آتاتورک سعی کرد با استفاده از زمینه‌های موجود، به صورت تدریجی، اهداف خود را جامه عمل بپوشاند. وی در نخستین گام، دست به تصفیه ساختار سیاسی از وجود هر نوع گرایش اسلامی زد. با اهدافی که آتاتورک در نظر داشت، وجود حکومتی که خلیفه در رأس آن بود، و به عنوان رهبر مسلمانان جهان تلقی می‌شد، مانع بزرگی محسوب می‌شد. وی به این نتیجه رسیده بود که با توجه به افکار عمومی مسلمانان دیگر کشورها، باید قدم‌های خود را آهسته بردارد، هرچند هدف نهایی او در اصلاح ساختار سیاسی الغای خلافت و

اعلام جمهوری بود (Bayder, 1995: 50). یکی از مهم‌ترین اهداف اصلاحات کمالیسم، جایگزین کردن فرهنگ غربی به جای اسلام‌گرایی و گرایش به اروپائیان بود. آتاتورک در صدد بود که قدرت نهادهای اسلامی و نمادهای اجتماعی گذشته را در هم بشکند (Toprak, 1988: 121). در قانون اساسی مصوب سال ۱۹۲۸، اسلام به عنوان دین رسمی حذف شد و دولت در سال ۱۹۳۷ رسماً سکولاریسم را به عنوان مبنای اساسی حکومت اعلام کرد. در سال ۱۹۲۶ قوانینی غیر مذهبی جانشین قوانینی اسلامی شد (Yalman, 2009: 43). در اثر این سیاست‌ها شخصیتی متفاوت از گذشته برای این کشور ترسیم شد. ترکیه یک کشور اسلامی است، اما سیستم سیاسی آن مبتنی بر ایدئولوژی اسلامی نیست. سیستم ترکیه بر جدایی دین از سیاست استوار بوده و بر اساس سکولاریزم پایه‌گذاری شده است. ترکیه یکی از کشورهای اسلامی است که دارای گرایش‌های غربی است و اتخاذ مواضع غربی در ترکیه رسم نبوده است. ترکیه در مورد فرایند غربی شدن و عدم تناقض آنها با ارزش‌های درونی و سنتی جامعه و همچنین فرهنگ و میراث تاریخی خویش تا حدودی به یک اجماع و اقلان نسبی رسیده است و توانسته است به‌طور نسبی مدرنیزه شدن و ارزش‌های سنتی جامعه را با هم جمع کند (Lesser, 2007: 65).

معنای سکولاریزم در ترکیه اصولاً بی‌دینی نیست، بلکه چنین معنایی را لائسیزم می‌رساند که بر غیر سیاسی کردن کامل دین تأکید دارد و سکولاریزم در ترکیه کوششی بود برای ارتقای عقلانیتی بشری و اسلامی تنویر یافته. دین یک نهاد اجتماعی زنده است که باید به نیازهای زندگی جمعی در سطح وسیعی پاسخ گوید و برای این کار باید گام به گام با تغییرات سیاسی و اجتماعی و توسعه همراهی کند (Lewis, 2007: 231). این امر در طول زمان تا حدود زیادی سبب نهادینه شدن سکولاریزم در ترکیه شد. ترک‌ها در جریان ظهور اسلام‌گرایی، اسلام را فرهنگ بومی خود می‌دانستند، اما با سکولاریزم و فرهنگ غربی نیز بیگانه نبودند. متولدین دوران کمالیسم در ترکیه، سکولاریزم و غربی‌گرایی را جزئی از فرهنگ ترکیه می‌دانند. از دید سازه‌انگاری، این نوع تصور یک ملت سبب برساختگی نوعی اعتدال ناشی از آشتی اسلام و دموکراسی غربی شده که نتیجه آن، ارائه مدل اسلام‌گرایی اعتدالی در جامعه ترکیه و بازتاب آن در تعامل آنها با بیرون و در عرصه سیاست خارجی است. موقعیت خاص ژئوپلیتیکی ترکیه و در نتیجه



قرار گرفتن این کشور در هم فضایی مشترک با جهان اسلام و غرب و تعامل و اثرپذیری متقابل به دو حوزه، سبب برساختگی هویت خاص و ترکیبی و متفاوت از دو جبهه (اسلام‌گرایی محض در جهان اسلام و غرب‌گرایی محض در غرب) و در نتیجه تکوین نوعی رویکرد اسلامی - غربی اعتدالی در طی زمان و به‌ویژه از دهه ۱۹۹۰ تا کنون شده است.

۶. نیاز متقابل ژئوپلیتیکی ترکیه به جهان اسلام و غرب

نیاز متقابل ژئوپلیتیکی نیز از سلسله عوامل ژئوپلیتیکی اسلام‌گرایی در سیاست خارجی کشور ترکیه است. تعادل در نیازهای ژئوپلیتیکی در جبهه اسلامی و غربی برای ترکیه بیانگر وضعیت خاص ژئوپلیتیکی ترکیه است که سبب تعادل در رویه‌های گزینش مدل و الگوی اسلام اعتدالی شده است.

۱-۶. نیاز ژئوپلیتیکی به جهان اسلام

برای توضیح نیازهای ژئوپلیتیکی ترکیه به جهان اسلام، لازم است به چند مسئله مهم در این زمینه اشاره شود. یکی از این مباحث، مبحث انرژی و نیاز شدید ترکیه به مناطق انرژی جهان اسلام است. شاید بتوان گفت در طی سده گذشته انرژی، چالش برانگیزترین مسئله در مبادلات ژئوپلیتیکی در جهان بوده است. نیاز به انرژی و رقابت بر سر به‌دست آوردن آن برای کشورهای فاقد ذخایر انرژی یکی از مسائل مهم در سیاست‌های اتخاذ شده توسط آنهاست. همچنین این مسئله برای کشورهای تازه شروع به رشد کرده‌اند، مسئله بسیار با اهمیتی است. کشور ترکیه، کشوری در حال توسعه است که با روی کار آمدن اسلام‌گرایان حزب عدالت و توسعه و رونق اقتصادی و ارتقای زیربنای اقتصادی برای جوابگویی به ظرفیت‌های پیدا شده جدید اقتصادی نیاز به مصرف انرژی بیشتری از قبیل نفت و گاز است. این عامل در جمع با تلاش ترکیه برای استقلال انرژی به روسیه بهتر قابل تعریف است. تا سال ۲۰۰۴ حدود ۹۰ درصد انرژی ترکیه را روسیه تأمین می‌کرد (Lenore and Keridis, 2004: 216) و ترکیه به شدت در راستای امنیت تأمین انرژی در فکر بازارهای جدید انرژی است که خاورمیانه و آسیای مرکزی (یزدانی و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۵۰)، و حوزه خزر بهترین و مقرون‌به‌صرفه‌ترین بازارهای تأمین انرژی برای ترکیه هستند.

کشور ترکیه در منطقه خاورمیانه منافع زیادی در رابطه با انرژی دارد. این منطقه بزرگ‌ترین منطقه انرژی جهان بوده و بیشترین ذخایر نفتی و درصد بالایی از ذخایر گاز در این منطقه متمرکز شده است.

جدول ۱. میزان ذخایر، تولید و مصرف نفت در کشورهای حوزه خلیج فارس و خاورمیانه در مقطع زمانی ۲۰۰۹ و ۱۹۹۶

سال کشور	۲۰۰۹						۱۹۹۶		
	مصرف		تولید		ذخایر		مصرف هزار بشکه در روز	تولید هزار بشکه در روز	ذخایر میلیارد بشکه
	درصد از کل	هزار بشکه در روز	درصد از کل	هزار بشکه در روز	درصد از کل	میلیارد بشکه			
ایران	۲/۲	۱۷۴۱	۵/۴	۴۲۱۶	۱۰/۳	۱۳۷/۶	۱۲۹۲	۳۷۵۹	۹۲/۶
عراق	-	-	۳/۲	۳۴۸۲	۸/۶	۱۱۵	-	۵۸۰	۱۱۲/۰
کویت	-/۵	۴۱۹	۳/۲	۳۴۸۱	۷/۶	۱۰۱/۵	۱۲۶	۳۱۳۹	۹۶/۵
قطر	-/۳	۲۰۹	۱/۳	۱۳۴۵	۲	۳۶/۸	۳۸	۵۶۸	۳/۷
عمان	-	-	۱	۸۱۰	-/۴	۵/۶	-	۸۹۷	۵/۳
عربستان	۳/۱	۲۶۱۴	۱۲	۹۷۱۳	۱۹/۸	۲۶۴/۳	۱۳۳۶	۹۲۹۹	۲۶۱/۴
امارات	-/۶	۴۵۵	۳/۲	۲۵۹۹	۸/۳	۹۷/۸	۳۴۷	۳۴۴۸	۹۷/۸
کل خلیج فارس و خاورمیانه	۸/۷	۷۱۴۶	۳۰/۳	۳۴۲۵۷	۵۶/۶	۷۵۴/۲	۳۱۳۸	۱۹۶۶۹	۶۶۹/۳
کل جهان	۱۰۰	۸۴۰۷۷	۱۰۰	۷۹۹۴۸	۱۰۰	۱۳۳۳۱/۱	۱۸۹۵۹	۶۹۹۳۱	۱۰۴۹

منبع: اخباری و دیگران، ۱۳۹۰: ۹۶

جدول ۲. میزان ذخایر اثبات شده گاز منطقه خلیج فارس و خاورمیانه

سال کشور	۲۰۰۹						۱۹۹۶		
	مصرف		تولید		ذخایر		مصرف (میلیارد متر مکعب)	تولید (میلیارد متر مکعب)	ذخایر (تریلیون متر مکعب)
	درصد از کل	میلیارد متر مکعب	درصد از کل	میلیارد متر مکعب	درصد از کل	تریلیون متر مکعب			
ایران	۴/۵	۱۳۱/۷	۴/۴	۱۳۱/۲	۱۵/۸	۳۹/۶	۳۸/۹	۳۹	۲۳
عراق	-	-	-	-	۱/۷	۳/۱۷	-	-	۳/۳۶
کویت	-/۵	۱۳/۴	-/۴	۱۲/۵	۱	۱/۷۸	۹/۳	۹/۳	۱/۴۹
قطر	-/۷	۳۱/۱	۳	۸۹/۳	۱۳/۵	۳۵/۳۷	۱۳/۷	۱۳/۷	۸/۵۰
عمان	-	-	-/۸	۲۴/۸	-/۵	۰/۸	-	۴/۴	۰/۶۳
عربستان	۲/۶	۷۷/۵	۲/۶	۷۷/۵	۴/۲	۷/۹۲	۴۴/۴	۴۴/۴	۵/۶۹
امارات	۲	۵۹/۱	۱/۶	۴۸/۸	۳/۴	۶/۴۳	۳۷/۲	۳۳/۸	۵/۷۸
کل خلیج فارس و خاورمیانه	۱۱/۷	۳۴۵/۶	۱۳/۶	۴۰۷/۲	۴۰/۶	۷۶/۱۸	۱۳۳/۴	۱۵۲	۴۸/۵۹
کل جهان	۱۰۰/۰	۳۹۴۰/۴	۱۰۰/۰	۳۹۸۷	۱۰۰/۰	۱۸۷/۴۹	۲۲۴۷/۸	۲۲۲۷/۹	۱۴۷/۸۹

منبع: اخباری و دیگران، ۱۳۹۰: ۹۷

۱۸۹ منطقه آسیای مرکزی و حوزه خزر نیز یکی از مناطق بزرگ انرژی جهان است که



حجم عظیمی از گاز طبیعی و نفت را دار است.

جدول ۳. مجموع ذخائر اثبات شده نفت کشورهای حوزه خزر و ذخائر اثبات شده نفت دریای خزر

کشور	مجموع ذخائر اثبات شده کشور	ذخائر اثبات شده منطقه خزر	
		عمیق	کم عمق
آذربایجان	۹۵۹	۹۵۹	۹۵۹
ایران	۱۸/۶۶۷	۱۴	۱۴
قزاقستان	۴/۱۱۰	۱/۲۳۲	۵/۴۷۹
روسیه	۸/۱۲۹	۴۱	۴۱
ترکمنستان	۸۲	۷۵	۲۳۳
ازبکستان	۴۱	۴۱	۸۱±۴۱
مجموع	۳۲/۰۲۸	۲/۳۶۲	۶/۸۰۷

Source: EIA, 2006 & Oil and Gas Journal, 2007

منابع گازی منطقه خزر از جمله منابع انرژی هستند که کشور ترکیه برنامه ریزی بسیاری برای بهره‌مندی از این ذخایر انجام داده است.

جدول ۴. پتانسیل گاز تولیدکنندگان منطقه خزر (میلیارد متر مکعب)

مجموع	ازبکستان	ترکمنستان	قزاقستان	آذربایجان	میزان استخراج
۴۴۰۸	۱۶۹۴	۲۰۲۳	۲۶۵	۴۲۶	ذخائر
۹۹۹۰	۱۶۲۰	۴۰۰۰	۳۰۰۰	۱۳۷۰	منابع
۱۱۹۰۰	۱۵۰۰	۶۰۰۰	۲۵۰۰	۱۹۰۰	پتانسیل کلی
۲۶۲۹۸	۴۸۱۴	۱۲۰۲۳	۵۷۶۵	۳۶۹۶	میزان استهلاک (مصرف تاکنون) (%)
۱۷	۳۵	۱۷	۵	۱۲	

خطوط لوله انتقال انرژی نیز از مسائل مهم در توجه ترکیه به کشورهای اسلامی است. کشورهای خاورمیانه، آسیای مرکزی و حوزه خزر برای انتقال انرژی به اتحادیه اروپا و کشورهای غربی دیگر به مسیر ترکیه علاقه‌مندند. ترکیه به واسطه قرارگیری در مسیر شرق به غرب دارای مزیتی بزرگ در بحث انتقال انرژی است. این امر سبب همگرایی ترکیه با کشورهای اسلامی، جهت دستیابی به توافقاتی برای انجام پروژه‌های بزرگ انتقال انرژی شده است.

علاوه بر مبحث انرژی، مباحث دیگری در نیازمندی ترکیه به کشورهای جهان اسلام مطرح است. از جمله این نیازها می‌توان به مباحث تجاری - اقتصادی، امنیتی و سیاسی اشاره کرد. انعکاس تلاش‌های ترکیه برای فعال شدن هرچه بیشتر در خاورمیانه را باید در تلاش‌های این کشور در تقویت روابط با ایران و سوریه دید.

در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ روابط آنکارا با دمشق و تهران تحت تأثیر عواملی چون حمایت‌های ایران و سوریه از پ ک ک و تلاش برای ایجاد بی ثباتی در ترکیه به تیرگی گرائید. اما منافع مشترک این سه کشور در مهار ناسیونالیسم کردی و جلوگیری از شکل‌گیری یک دولت مستقل کرد، در طول مرزهایشان در سال‌های اخیر سبب بهبود روابط شده است (لارابی، ۱۳۸۶: ۷۴).

امروزه شرایط کنونی منطقه خاورمیانه با گذشته متفاوت است؛ سوریه برخلاف گذشته از دشمنی دیرینه خود با ترکیه دست برداشته است و تحت فشارهای امریکا، عبدالله اوجلان، رهبر حزب کارگران کردستان ترکیه را از خاک خود بیرون راند و همین اقدام سبب شد تا نیروهای ترکیه وی را دستگیر و زندانی کنند. صدام حسین که با ترکیه سر دشمنی داشت از میان رفته است؛ هر چند اوضاع جدید عراق و ناآرامی‌های آن و خودمختاری کردهای این کشور ترکیه را تهدید می‌کند. آنکارا از آن بیم دارد که کردهای عراق احساسات جدایی‌خواهانه کردهای ترکیه را تحریک کنند. ایران نیز طی دهه گذشته سیاستی پراگماتیک نسبت به همسایگان در پیش گرفته است. بدین ترتیب خیال ترکیه از بابت این سه همسایه آسوده‌تر شده است. همین تحولات سبب شده است تا میزان وابستگی ترکیه به امریکا کاهش یابد و ترکیه مناسبات خود را با سوریه، ایران و عراق بیش از پیش بهبود بخشد. در مقابل، مناسبات ترکیه با اسرائیل در مقایسه با دهه ۱۹۹۰ رو به کاهش گذاشته است. در واقع ضرورت‌های استراتژیک که در گذشته ترکیه را به داشتن روابط نزدیک با اسرائیل ناگزیر می‌ساخت، امروزه دیگر به شدت قبلی وجود ندارد (رضازاده، ۱۳۸۸: ۱۲۵-۱۲۴). ترکیه با ایران در مسائل امنیتی مانند مسئله کردها و گروه‌های تروریستی پ ک ک و پژاک و نیز مسائل عراق و تهدیدات شمال عراق که متوجه دو کشور است و نیز در بحث جهان اسلام و مسئله فلسطین و همچنین تبادلات تجاری - اقتصادی همگرایی بالایی دارند (رضازاده، ۱۳۸۸: ۱۳۷-۱۲۷)؛ فردی‌پور و قرشی، ۱۳۸۶: ۴-۶). روابط ترکیه با سوریه نیز در سال‌های گذشته به میزان چشمگیری افزایش یافته است. هرچند در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ دو کشور روابطی پرتنش را تجربه کردند، اما تهدید ترکیه به حمله به سوریه در صورت ادامه یافتن حمایت‌های دمشق از پ ک ک، در اکتبر ۱۹۹۸ بحران را در روابط دو کشور به اوج

رساند. سوریه در برابر برتری نظامی ترکیه از مواضع خود عقب نشست و دست به اخراج عبدالله اوجالان، رهبر پ ک ک، و بستن اردوگاه‌های تمرینی این گروه زد. این تغییر موضع دمشق، راه را برای بهبود تدریجی روابط هموار کرد. سفر ژانویه ۲۰۰۵ بشار اسد، رئیس جمهور سوریه، به ترکیه اولین سفر در نوع خود از زمان استقلال سوریه در ۱۹۴۶ به شمار می‌رفت، دیگر جایی برای شک و تردید در آشتی در روابط دو کشور باقی نگذاشت (لارابی، ۱۳۸۶: ۷۵). ترکیه در ارتباط با این کشور دارای منافع مهمی است که این منافع در سایه امنیت و آرامش تحقق می‌یابد. کشور ترکیه امروزه نگاهی بومی و منطقه‌ای به سوریه دارد و از عینک غرب به سوریه نمی‌نگرد. ترکیه به این نتیجه رسیده است که با هویتی اسلامی و منطقه‌ای بهتر می‌تواند منافع خود را در منطقه دنبال کند. نمونه این مورد را می‌توان در اظهارات متفاوت مقامات ترکیه با غرب، در قبال مسائل و اعتراضات اخیر در سوریه مشاهده کرد. غرب رسماً خواستار کناره‌گیری بشار اسد، رئیس جمهور سوریه است در حالی که مقامات ترکیه از بشار اسد انجام اصلاحات و آرام کردن اوضاع را خواستار بودند و در گام بعد که اوضاع بغرنج تر شد خواستار برکناری بشار اسد با حفظ نظام فعلی حاکم در سوریه شدند.

از زمانی که حزب عدالت و توسعه رهبری را به دست گرفته، تغییراتی در نوع نگاه ترکیه نسبت به اسرائیل به وجود آمده و آنکارا سیاستی فعال‌تر را به نفع فلسطینی‌ها در پیش گرفته است. اردوغان با «تروریسم دولتی»^۱ خواندن سیاست‌های اسرائیل در کرانه باختری و نوار غزه، آشکارا به انتقاد از سیاست‌های اسرائیل در این مناطق پرداخته و در عین حال، دست به ایجاد پیوندهایی نزدیک تر با رهبران فلسطینی زده است. چند هفته پس از برگزاری انتخابات در سرزمین‌های اشغالی فلسطین در ژانویه ۲۰۰۶، آنکارا میزبان یک هیئت عالی‌رتبه حماس به رهبری خالد مشعل بود. اردوغان امید داشت با دست زدن به چنین اقدامی، توانایی ترکیه را برای ایفای نقش فعال‌تر در منطقه افزایش دهد. رجب طیب اردوغان در جریان انتخابات پارلمان ترکیه در ۱۲ ژوئن ۲۰۱۱ که به پیروزی قاطع حزب عدالت

و توسعه برای سومین بار منجر شد، چنین گفت: این پیروزی را به مسلمانان و مردم سرزمین‌های اشغالی هدیه می‌دهم. پیروزی حزب عدالت و توسعه در ترکیه، در واقع پیروزی قدس اشغالی، کرانه باختری، نابلس و غزه است (روزنامه اطلاعات، ۱۳۹۰: ۱۶).

از آنچه در مورد تعامل ترکیه با خاورمیانه گفته شد، از منظر سازه‌انگاری چنین می‌توان برداشت کرد که ترکیه هم در اثر تعامل با کشورهای اسلامی خاورمیانه و زمینه‌های اسلامی خود، تحت تأثیر این منطقه قرار دارد. از سوی دیگر، این کشور در پیگیری منافع ناشی از هویت خود ناگزیر از همگرایی به سمت کشورهای اسلامی خاورمیانه است که این امر خود را در نیازهای ژئوپلیتیکی ترکیه به کشورهای خاورمیانه نشان می‌دهد.

علاوه بر خاورمیانه، ترکیه اهداف اقتصادی را در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز دنبال کرد که عبارت بودند از: دسترسی به بازارهای وسیع مصرف، استفاده از نیروی کار ارزان و مواد خام، اجرای نقش واسطه برای سرمایه‌گذاری غرب - طبیعتاً روابط ترکیه با همه کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز یکسان نیست (حافظ‌نیا و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۰۱). به عنوان مثال، تاجیکستان که دارای مردمی ترک زبان است و از جهت اقتصادی نیز امکاناتی محدود دارد، از نظر ترکیه اهمیت کمتری دارد تا ازبکستان که پر جمعیت‌ترین کشور منطقه است و از ثبات سیاسی بیشتری برخوردار بوده و امکانات اقتصادی گسترده دارد. ترکیه از نظر حضور در منطقه آسیای مرکزی و سرمایه‌گذاری در این منطقه جایگاه اول را دارد. حدود ۵۰۰ شرکت در این کشورها ثبت شده‌اند و ۷۰۳ طرح به ارزش ۶ میلیارد دلار را در دست اجرا دارند. بیش از هفت هزار شهروند ترک در ترکمنستان مشغول فعالیت هستند و بدین ترتیب، ترک‌ها بیشترین اتباع خارجی این کشور را تشکیل می‌دهند (زبیب، ۱۳۷۳: ۷۶).

تمامی مباحثی که در بالا مطرح شد، ترکیه را ناگزیر از گرایش به سمت جهان اسلام و تقویت نگاه به شرق کرده است و این کشور حاضر نیست کارت‌های پر مزیت کشورهای جهان اسلام را با هیچ کارت دیگری معامله کند. از دید سازه‌انگارانه مشخص می‌شود که دو اهرم هویت و منافع ناشی از هویت، ترکیه را به

سوی کشورهای خاورمیانه سوق می‌دهد. هویت و زمینه‌های اسلامی جامعه ترکیه و اثرپذیری از جریانات جهان اسلام و نیز نیاز ژئوپلیتیکی کشور ترکیه به جهان اسلام تبیین کننده گرایش ترکیه به سمت اسلام سیاسی است. در رویکرد سازه‌انگاری، کنشگران در صورت افزایش تهدیدها و چالش‌هایشان در عرصه بازیگری سعی می‌کنند با بازتعریف هویت و نظام معنایی خود، هویتی سازگارتر با دیگر کنشگران از خود ارائه دهند تا در پیگیری اهداف و منافعشان با مشکلی مواجه نشوند. ترکیه نیز برای رفع چالش‌های خود نیاز به بازتعریف هویت خود و ارائه هویتی اسلامی‌تر را برای پیگیری منافعش در حوزه بازیگری خود احساس نموده است و طبق این رویه به بازتعریف در هویت سیاسی لائیک خود اقدام کرده است.

۲-۶. نیاز ژئوپلیتیکی به غرب

۱-۲-۶. اتحادیه اروپا

از زمان تأسیس جمهوری ترکیه، نزدیکی به غرب و به‌ویژه اروپا، اولویت اصلی سیاست خارجی این کشور بوده است. برای آتاتورک و ترک‌های جوان، اروپا مظهر تمدن و پیشرفت، و اروپایی شدن هدف نهایی تعریف شده بود. وضعیت جغرافیایی ترکیه به‌گونه‌ای است که می‌تواند بحران‌های خاورمیانه و قفقاز را سریعاً به اروپا منتقل کند. ترکیه به دلیل موقعیت ژئواستراتژیک خود به تلاش‌های اتحادیه اروپایی در سیاست خارجی در خاورمیانه، مدیترانه و آسیای مرکزی و قفقاز ابعاد جدیدی می‌دهد. همچنین توان نظامی ترکیه و قابلیت‌های این کشور برای ایجاد پایگاه نظامی، به نفع سیاست دفاعی و امنیتی اروپاست (قدیری، ۱۳۸۳: ۳۳). شرکت نکردن ترکیه در جنگ عراق این امیدواری را در میان فرانسه و آلمان ایجاد کرده که در صورت تکرار موارد مشابه می‌توانند از ترکیه برای تضعیف نسبی قدرت چانه‌زنی آمریکا استفاده کنند. در آینده مشارکت ترکیه در مدیریت بحران، مقابله با جرایم سازمان‌یافته، مبارزه با مواد مخدر، حفاظت از مرزها، بهداشت عمومی، حفاظت از محیط زیست و تروریسم بین‌المللی اهمیت حیاتی خواهد داشت. این همکاری‌ها به نوبه خود سیستم‌های اطلاعاتی و نظامی ترکیه را متحول خواهد کرد (قهرمانپور، ۱۳۸۳: ۱۲). همچنین ترکیه در برقراری صلح و ثبات منطقه‌ای، مسئله امنیت، تعادل و تبادل بین اسلام و غرب،

ایجاد فرصت‌های اقتصادی برای دو طرف ترک و اروپایی می‌تواند مزایای زیادی را برای اتحادیه اروپا به همراه داشته باشد و همچنین در این زمینه‌ها نیازهای خود را نیز مرتفع سازد و در مسیر توسعه همه‌جانبه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و غیره خود گام بردارد (حسینی، ۱۳۸۴: ۷؛ نظریگی، ۱۳۸۴: ۵؛ دورونسورو، ۱۳۸۶: ۱۰؛ افتخاری، ۱۳۸۵: ۱۳۷-۱۳۸ و Kalin, 2005: 5-6).

۲-۲-۶. ایالات متحده آمریکا

علاوه بر اتحادیه اروپا، یکی دیگر از بازیگرانی که نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی ترکیه دارد و بسیاری از اولویت‌های سیاست خارجی ترکیه نسبت به آن مورد بررسی قرار می‌گیرد، ایالات متحده آمریکا است. اصلی‌ترین منافع ترکیه در حفظ روابط استراتژیک با آمریکا را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. نیاز به حمایت‌های اقتصادی و مالی آمریکا، به‌ویژه در نهادهای مالی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول که در حل بحران‌های مالی ترکیه نقش کلیدی ایفا کرده‌اند؛
۲. حفظ جایگاه مناسب در ناتو و نظام امنیت دسته‌جمعی اروپایی؛
۳. اعمال فشار به اتحادیه اروپا برای پذیرش عضویت ترکیه؛
۴. استفاده از توان و دانش نظامی آمریکا برای نوسازی سیستم دفاعی ارتش با هدف حفظ برتری نظامی ترکیه نسبت به همسایگان خود (قرار است طی ۱۸ سال آینده با بودجه‌ای معادل صد میلیارد دلار انجام شود) (Lenore & Keridis, 2004: 345)؛
۵. نیاز به حمایت آمریکا در حل بحران قبرس؛
۶. حضور ترکیه در شکل‌دهی به آینده شمال عراق و مسئله کردها؛
۷. ورود به نظام سرمایه‌داری و اقتصاد جهانی (قهرمان پور، ۱۳۸۵: ۴۸)؛
۸. استفاده از اعتبار آمریکا برای کسب امتیازات اقتصادی منطقه مانند خط لوله انتقال نفت باکو - جیحان؛
۹. احتیاج ترکیه به آمریکا در مقابل هژمونی روسیه در منطقه (به خصوص اوراسیا) (Lenore & Keridis, 2004)؛
۱۰. مهار کشمکش‌های قومی کردها و نیز حمایت از مسلمانان بالکان که فقط با حمایت آمریکا میسر است (نصری، ۱۳۸۴: ۱۶۰) و
۱۱. بهرمندی از حمایت آمریکا در نفوذ سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و قومی به منطقه آسیای مرکزی و قفقاز (فلاح، ۱۳۸۶: ۱۱۹).

کشور ترکیه از همان ابتدای ظهور اسرائیل و حتی قبل از آن و در دوران زمینه‌سازی برای تشکیل دولت یهودی - صهیونیستی در فلسطین، روابط نزدیکی با این کشور داشته است. ترکیه تنها هم پیمان منطقه‌ای اسرائیل در گذشته و حال است. البته این رابطه در برهه‌های زمانی مختلف شدت و ضعف داشته است. از جمله اهداف نزدیکی ترکیه به اسرائیل می‌توان از موارد زیر نام برد:

۱. دولتمردان ترک عدم پذیرش این کشور را در جامعه اروپا تحقیری برای مردم خود می‌دانند بنابراین، در سال‌های اخیر تلاش کرده‌اند از طریق همسویی و همراهی با سیاست‌های امریکا و اسرائیل در منطقه، از نفوذ این دو کشور در اروپا به نفع خود استفاده کنند. ۲. ترکیه در پی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت گسترده‌ای را به منظور گسترش نفوذ در آسیای مرکزی و قفقاز در پیش گرفته است. اما برای اجرای این برنامه‌ها با کمبود شدید منابع مالی مواجه است. بنابراین، انعقاد پیمان نظامی - اطلاعاتی، که در واقع امتیاز برای تل آویو محسوب می‌شود، می‌تواند حمایت اسرائیل و متعاقب آن کمک‌های مالی امریکا را برای آن کشور در پی داشته باشد. ۳. ترکیه تلاش می‌کند در استراتژی خاورمیانه‌ای ایالات متحده «نقش دولت محوری» را ایفا کند، اما از آنجایی که از لحاظ نژادی و ساختار حکومتی با کشورهای عرب منطقه سنخیتی ندارد، اسرائیل را طبیعی‌ترین هم‌پیمان خود می‌یابد تا به کمک آن و ناتو نقش «چکش تعادل» را در منطقه ایفا کند. ۴. گرایش حکومت ترکیه به رابطه با اسرائیل، کنترل اسلام‌گرایی در درون و حاشیه ترکیه را نیز به صورت ضمنی و گاه سرریح در بردارد. ۵. ترکیه در داخل کشور در مقابله با اکراد استقلال طلب با مشکلات سیاسی - امنیتی شدیدی دست به گریبان است و نیاز به همراهی اسرائیل دارد. همان‌گونه که در مفاد پیمان با اسرائیل ۲۲ فوریه ۱۹۹۶ تصریح شده است، با آموزش نیروهای نظامی - امنیتی ترکیه توسط واحدهای اسرائیلی و تجهیز و سازماندهی آنها از طریق دستیابی به بازار تسلیحات و فناوری اسرائیل، آنکارا می‌تواند مهم‌ترین هدف امنیت داخلی خود را از این پیمان تحقق یافته بداند (یکتا، ۱۳۷۵: ۴۷-۴۵). ۶. گرایش به اسرائیل برای مقابله با خطر ایران هسته‌ای (لارابی، ۱۳۸۶: ۷۵ و ۷۴). ۷. فروش آب آشامیدنی به اسرائیل و ۸. صدور کالاهای ساخت ترکیه به اسرائیل (Lenore &

در چند ماه اخیر، به‌ویژه از زمان پیروزی حزب عدالت و توسعه، مواضع دولت ترکیه نسبت به اسرائیل اندکی تندتر شده است، چراکه براساس مواردی که در بالا گفته شد، ترکیه به صورتی متعادل با اسرائیل برخورد می‌کند، در حالی که ظرف چند ماه اخیر حمایت شدید اسرائیل از اقدامات تروریستی پ ک ک و پژاک سبب چالش در روابط ترکیه و اسرائیل شده است و ترکیه را بیشتر به سمت جمهوری اسلامی ایران که در این زمینه همراه ترکیه است سوق داده است. اما در مجموع، ترکیه به دلیل نیاز خود به اسرائیل ناگزیر به حفظ حدودی از روابط و تلاش برای عادی‌سازی روابط است. این نوع رفتار کنشگران ترکیه بیانگر درک آنها از ساختار ژئوپلیتیکی سیاست خارجی ترکیه و تلاش برای تنش‌زدایی از روابط دو کشور است تا در سایه این نوع هویت اسلام اعتدالی، ترکیه به منافع خود برسد. این نحوه عملکرد بازیگران ترکیه بیانگر مسئله ساختار - کارگزار در رفتار خارجی ترک‌ها است.

از منظر سازه‌انگاری، کنشگران عرصه بین‌المللی براساس منافع خود اقدام می‌کنند و در صورت ایجاد چالش در مسیر پیگیری این منافع، سعی در بازتعریف هویت خود می‌کنند تا هویت و منافع خود را با یکدیگر منطبق سازند و براساس هویت سازگار با عرصه بازیگری خود به کسب منافع پردازند. کشور ترکیه نیز به رغم گرایش به کشورهای جهان اسلام در چند سال اخیر، از این مسئله آگاه است که بسیاری از منافع این کشور نیز در گرو ارتباط با کشورهای پیشرفته غربی از جمله اتحادیه اروپا و ایالات متحده امریکا است. نیاز ژئوپلیتیکی ترکیه به غرب در قالب مسائل سیاسی، امنیتی و اقتصادی، بیانگر نوعی تعادل در نیاز ژئوپلیتیکی ترکیه به جبهه اسلامی و غربی است که سبب می‌شود کنشگران ترک هویت خود را به نحوی متعادل در ارتباط با این دو جبهه تعرف کنند و مدل اسلام اعتدالی را برگزینند.

نتیجه‌گیری

از آنچه در مورد بحث اسلام‌گرایی اعتدالی گفته شد مشخص می‌شود، برخی عوامل ژئوپلیتیکی از طریق رابطه معناداری که با یکدیگر دارند و از طریق برخی رخدادها مانند پدیده پخش و تعاملات ناشی از هم‌فضایی، سبب برساخته شدن نوعی اسلام اعتدالی در کشور ترکیه شده است. در ابتدا موقعیت ژئوپلیتیکی کشور ترکیه مورد بررسی است که نظر به استقرار ترکیه در حد فاصل جهان اسلام و غرب و تلاش ترک‌ها برای کسب حداکثری منافع سبب تسامح و محافظه‌کاری آنها شده است. این امر در دراز مدت به انگاره‌ای ژئوپلیتیکی در اذهان بازیگران سیاست خارجی ترکیه مبدل شده و بخشی از دلیل اسلام‌گرایی اعتدالی ترک‌ها را در جهت کسب منافع بیشتر با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی آنان توجیه می‌کند.

ترکیه با توجه به همجواری با مناطق اسلامی خاورمیانه و آسیای مرکزی و قفقاز و در اثر رشد بیداری اسلامی و نیز از طریق پیش‌زمینه‌هایی مانند مسلمان بودن مردم ترکیه و وجود طریقت‌ها و جریان‌های اسلامی، اسلام‌گرایی معاصر به کشور ترکیه نیز منتشر و بسط داده شده است. اما در مقابل، به واسطه هم‌فضایی و همجواری با جهان غرب و بومی شدن سکولاریزم طی چندین دهه در این کشور و در آمیختن آن با فرهنگ مردم، عملاً نوعی تعادل در تعامل اسلام و سکولاریزم در ترکیه ایجاد شده است و بازیگران عرصه سیاست خارجی ترکیه نیز در تعاملی دو جانبه با جهان اسلام و غرب به الگویی متعادل و اسلامی - غربی رسیده‌اند. نیاز متقابل ژئوپلیتیکی ترکیه به کشورهای اسلامی و غربی نیز از دیگر عوامل ژئوپلیتیکی در اسلام‌گرایی اعتدالی در سیاست خارجی ترکیه است. ترکیه کشوری است در حد فاصل جهان اسلام و غرب و دو جبهه برای ترکیه مزیت‌هایی دارند. کشور ترکیه به لحاظ تأمین انرژی و مسائل امنیتی مانند کردها و شمال عراق و مسئله جهان اسلام به کشورهای جهان اسلام نیازمند است و در زمینه‌های امنیتی، نظامی، اقتصادی و سیاسی به اتحادیه اروپا، ایالات متحده و اسرائیل نیاز جدی دارد. این توازن در نیازها بین جهان اسلام و غرب و ناگزیری ترکیه در تعامل با دو جبهه و سعی در کسب منافع از ارتباط به دو طرف، ترکیه را به سوی نوعی محافظه‌کاری و تعادل در رفتار سیاست خارجی خود سوق می‌دهد و در نتیجه در بحث

اسلام‌گرایی مانع از افراطی‌گری شده و مطابق منافع ملی سیاست خارجی ترکیه را به سمت اعتدال در اسلام‌گرایی برای مثبت بودن نتایج تعاملات با جهان اسلام و غرب سوق می‌دهد. بنابراین، موقعیت ژئوپلیتیکی ترکیه و زمینه‌های داخلی این کشور و هم‌فضایی با جهان اسلام و غرب و اثرپذیری متقابل از دو جبهه و نیز نیاز متقابل به دو طرف همواره رویه‌ای محافظه‌کارانه، متسامح و اعتدالی در رفتار سیاست خارجی ترکیه رقم می‌زند که نتیجه آن تکوین اسلام اعتدالی در سیاست خارجی این کشور است.**

منابع

الف - فارسی

- اخباری، محمد. ۱۳۸۳. **جغرافیای کشورهای همجوار، ترکیه، انتشارات سازمان جغرافیای وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.**
- اخباری، محمد، عطاالله عبدی و حسین مختاری هشی. ۱۳۹۰. «موقعیت ژئوپلیتیک ایران و تلاش‌های امریکا برای تثبیت هژمونی خود در جهان؛ مطالعه موردی: طرح خاورمیانه بزرگ»، **فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی**، شماره ۷۵.
- افتخاری، اصغر. ۱۳۸۵. «رویکرد اروپایی به نظام امنیت بین‌المللی»، **فصلنامه راهبرد دفاعی**، سال چهارم، شماره ۱۲.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، محمود شمس دولت‌آبادی و محمدحسین افشردی. ۱۳۸۶. «علائق ژئوپلیتیکی ایران در آسیای مرکزی و فرصت‌های پیش رو»، **فصلنامه ژئوپلیتیک**، سال سوم، شماره سوم.
- حسینی، سیدمحمد. ۱۳۸۴. «ترکیه گذرگاه مهم انرژی»، **همشهری دیپلماتیک**. شماره هفتاد.
- درونسورو، گیلز. ۱۳۸۶. **اتحادیه اروپا و ترکیه بین ژئوپلیتیک و مهندسی اجتماعی**، انتشارات تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، شماره ۲۱۸.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. ۱۳۸۸. «امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی**، سال اول، شماره اول.
- رشیدی، مصطفی. ۱۳۸۹. «جغرافیای سازه‌انگاری: هارمونی جغرافیای سیاسی و رویکرد سازه‌انگاری»، **مجله علمی - دانشجویی رویکرد سیاست و فضا**، سال اول، شماره اول، زمستان.
- رشیدی، مصطفی. ۱۳۹۰. «کردارهای جغرافیایی و تبیین سیاست خارجی به عنوان کرداری ژئوپلیتیکی»، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی**، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.
- رضازاده، سخاوت. ۱۳۸۸. **استراتژی خاورمیانه‌ای ترکیه و محدودیت‌ها و مطلوبیت‌های ایران، سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه ترکیه**، پژوهش نوزدهم، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- روزنامه اطلاعات. ۱۳۹۰. «پیروزی قاطع حزب عدالت و توسعه در انتخابات ترکیه»، ۲۴

خرداد.

زیب، رضا. ۱۳۷۳. **مبانی رفتاری سیاست خارجی ترکیه**، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

سلیمی، حسین. ۱۳۸۶. «نگرشی سازه‌انگارانه به هویت ملی در ایران»، **فصلنامه مطالعات ملی**، ۳۱، سال هشتم، شماره ۳، صص ۵۳-۳۱.
سوجا، ادوارد. ۱۳۸۷. «نظریه انتقادی اجتماعی تاریخ: جغرافیا: مدرنیته»، **مجموعه مقالات مطالعات فرهنگی**، سایمون دیورینگ، ترجمه نیما ملک‌محمدی و شهریار وقفی‌پور، انتشارات تلخون.

شکوهی، حسین. ۱۳۸۲. **اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا**، جلد اول، انتشارات گیتاشناسی. فردی‌پور، سعید و سیدیوسف قرشی. ۱۳۸۶. «نقش و جایگاه ترکیه در دیپلماسی دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران»، **معاونت پژوهشی مطالعات سیاسی**، شماره مسلسل ۸۶۲۱.

فلاح، رحمت‌الله. ۱۳۸۶. «بررسی منابع چالش در روابط ترکیه با آمریکا»، **فصلنامه مطالعات استراتژیک جهان اسلام**، سال هشتم، شماره ۳۲.

قدیری، نیلوفر. ۱۳۸۳. «ترکیه در اروپا»، **ماهنامه همشهری دیپلماتیک**، شماره ۲۸، آبان. قطب، محمد. ۱۳۷۴. **بیداری اسلامی**، ترجمه صباح زنگنه، انتشارات اطلاعات. قهرمانپور، رحمان. ۱۳۸۳. **ترکیه و اتحادیه اروپا؛ معضلی دوجانبه**، کتاب اروپا ۳، ویژه روابط ایران و اتحادیه اروپا (جلد دوم)، انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

کرمی فرد، رضا. ۱۳۸۱. «تحلیل ژئوپلیتیکی روابط ایران و ترکیه»، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس**.

لارابی، اف. استغن. ۱۳۸۶. «نگاه دوباره ترکیه به خاورمیانه»، ترجمه محمد سلطانی نژاد، **فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام**، سال هشتم، شماره ۲۹، بهار.

متقی، ابراهیم و حجت کاظمی. ۱۳۸۶. «سازه‌انگاری، هویت، زبان و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه سیاست**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۷، شماره ۴، صص ۲۳۷-۲۰۹.

مجته‌زاده، پیروز، محمدرضا حافظ‌نیا. ۱۳۸۸. «برابرسازی معنایی واژگان جغرافیایی سیاسی»، **فصلنامه ژئوپلیتیک**، شماره ۱۱.

مشیرزاده، حمیرا. ۱۳۸۶، **تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل**، انتشارات سمت. مشیرزاده، حمیرا ب. ۱۳۸۳. «گفتگوی تمدن‌ها از منظر سازه‌انگاری»، **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی**، شماره ۶۳.

نصری، قدیر. ۱۳۸۴. «آینده سیاست خارجی ترکیه (معرفی کتاب)»، **فصلنامه مطالعات خاورمیانه**، شماره ۳.

نظریگی، جعفر. ۱۳۸۴. «پیامدهای جهانی و منطقه‌ای عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا»، **همشهری دیپلماتیک**، شماره هفتاد.

یزدانی، عنایت‌الله، مجتبی تویسرکانی و سوسن مرادی. ۱۳۸۶. «تبیین ژئوپلیتیکی رقابت

قدرت»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سوم، شماره سوم.
یکتا، حسین. ۱۳۷۵. «پیمان نظامی، استراتژیک ترکیه و اسرائیل: یک گزارش تحلیلی»،
مجله سیاست دفاعی، سال چهارم، شماره ۲.

ب - انگلیسی

- Bayder, **Mustafa**. 1955. **Conversation with Atatürk**, Istanbul: Yeditepe Yayinlari.
- Boli, John & John Meyer and George Thomas. 1989. **Ontology and Rationalization in the Western Cultural Account**, in George Thomas et. al., (eds): International Structure: Constituting State, Society, and the Individual, London.
- EIA. 2006. **Caspian Sea region, Survey of Key Oil and Gas Statistics and Forecasts**, July.
- Kalin Yasin. 2005. "The Implications of the EU Admittance of Turkey on Turkish-EU Relations and Turkish-U.S. Relations", **Strategy Research Project**, U.S. Army War College, Carlisle Barracks, Carlisle, USAWC Strategy Research Project.
- Lenore, Martin and Dimitris Keridis. 2004. **The Future of Turkish Foreign Policy**, London: The MIT Press.
- Lesser, Jan. 2007. **Western Interest in Changing Turkey**, Rand Center for Middle East Public Policy.
- Lewis, Bernard. 2007. **the Emergence of Modern Turkey**, London, New York: of Oxford University Press.
- Oil and Gas Journal. 2007. **World Proven Reserves of Oil**, January.
- Toprak, Binnaz. 1988. **The State, Politics and Religion In Turkey**, London: Walter Press.
- Yalman, Nur. 2009. **Islamic Reform and Mystic Tradition in Eastern Turkey**, London.

